

حق مؤلف و حقوق مرتبط در سازمان‌های مدیریت جمعی

شیما پورمحمدی^۱

چکیده

امروزه مدیریت و اجرای صحیح حق مؤلف و حقوق مرتبط تأثیر بسزایی در رشد و موفقیت صنایع فرهنگی کشورها دارد. مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط نظامی است که به موجب آن پدیدآورندگان و صاحبان آثار به یک سازمان مدیریت جمعی اجازه مدیریت و اجرای حقوقشان از جمله نظارت بر استفاده از آثار، مذاکره با استفاده‌کنندگان، اعطای مجوز استفاده و جمع‌آوری و تقسیم اجرت را می‌دهند.

در این نظام، سازمان مدیریت جمعی به عنوان واسطه‌ای میان صاحبان آثار و مصرف‌کنندگان عمل کرده، از یک طرف موجب اجرای مؤثر حقوق صاحبان آثار شده و از طرف دیگر امکان دسترسی آسان و منصفانه استفاده‌کنندگان به آثار را فراهم می‌کنند.

واژگان کلیدی

مدیریت جمعی، سازمان مدیریت جمعی، حق مؤلف، حقوق مرتبط

۱. وکیل پایه یک دادگستری، کارشناس ارشد حقوق مالکیت فکری، تهران، ایران.

Email: sh.poormohamadi@yahoo.com

مقدمه

خالق یک اثر ادبی هنری یا دارنده حقوق مرتبط حق اجازه یا منع استفاده دیگران از اثر خود را دارد. یک نمایشنامه‌نویس می‌تواند مجوز دهد که اثر وی با شروط تعیین‌شده توسط وی، روی صحنه اجرا گردد، یک نویسنده می‌تواند با ناشر برای انتشار و توزیع کتاب خود قرارداد ببندد، یک آهنگساز یا موسیقیدان می‌تواند توافق کند که اثر وی روی دیسک فشرده ضبط شود. صاحبان حق می‌توانند حقوق خود را شخصاً اجرا کنند، اما عملاً موارد زیادی هم وجود دارد که مدیریت شخصی حقوق غیر ممکن است. یک مؤلف نمی‌تواند بر همه استفاده‌هایی که از آثارش صورت می‌گیرد، کنترل و نظارت کند. مثلاً او نمی‌تواند به تنهایی با هر ایستگاه پخش رادیو و تلویزیونی در رابطه با مجوز استفاده از اثرش و دریافت اجرت مذاکره کند، این مسأله برای سازمان‌های پخش هم امکان‌پذیر نیست که برای استفاده از هر اثر دارای حق مؤلف به دنبال اجازه خاص از مؤلف آن اثر بگردند.

امروزه مؤلفان، اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سایر پدیدآورندگان آثار ادبی هنری، به تنهایی قادر نخواهند بود حقوق خود را اجرا کنند یا مانع از نقض حقوق خود شوند، چراکه با پیشرفت وسایل تکثیر، توزیع، ضبط و پخش، کنترل اجرای حقوق بسیار مشکل است. دشواری یا غیر ممکن بودن عملی این مسأله برای صاحبان آثار و مصرف‌کنندگان موجب نیاز به وجود سازمان‌های مدیریت جمعی گردید. پدیدآورندگان و دارندگان حقوق مرتبط می‌توانند حقوق خود را به طور شخصی اعمال کنند یا آنها را منتقل کرده و به دیگران واگذار کنند و یا از طریق سازمان‌های مدیریت جمعی وارد عمل شوند. سال‌هاست که در بسیاری از کشورهای دنیا سازمان‌های مدیریت جمعی به نمایندگی از صاحبان حقوق مالکیت فکری وارد عمل شده و به اجرای حقوق آنها و پیگیری موارد نقض حق می‌پردازند. این سازمان‌ها دارندگان حق را قادر می‌سازند در شرایطی از اجرای حقوق خود و استفاده از آثارشان سود ببرند که خود آنها به تنهایی امیدی به سودبردن از این موقعیت‌ها ندارند.

سازمان‌های مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط با دو هدف عمده به وجود آمده‌اند: ۱- اجرای حقوق پدیدآورندگان و دارندگان حقوق مرتبط به طور مؤثر، کامل و با هزینه کم‌تر؛ ۲- امکان دسترسی آسان‌تر استفاده‌کنندگان به آثار و دریافت مجوزهای لازم.

مدیریت جمعی حقوق از پیشینه‌ای بیش از صدوپنجاه سال در بسیاری از کشورهای دنیا برخوردارند و نقش مهمی در پیشرفت فرهنگی و اقتصادی این کشورها و حرفه‌ای شدن صنایعی همچون صنعت موسیقی ایفا می‌کند، اما در حقوق ایران به آن پرداخته نشده است و هنوز برای پدیدآورندگان و صاحبان آثار شناخته شده نیستند. با توجه به این‌که در پیش‌نویس قانون جامع مالکیت ادبی هنری که از مدل پیشنهادی سازمان جهانی مالکیت فکری الگو گرفته است، سازمان‌های مدیریت جمعی مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله برآنیم ساختار و نظام سازمان‌های مدیریت جمعی، انواع حقوق تحت مدیریت آن‌ها، نحوه نظارت بر کار آن‌ها، عوامل مؤثر در موفقیت آن‌ها و وضعیت حقوق ایران را در این مسأله مورد بررسی قرار دهیم.

الف - پیشینه تاریخی

نخستین سازمان‌های مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط در فرانسه به وجود آمدند. فرانسه همواره مهد هنر و موسیقی مخصوصاً هنرهای نمایشی همچون تئاتر، اپرا، باله و کنسرت‌های بزرگ موسیقی بوده است. زمزمه مدیریت جمعی حقوق به قرن هجدهم برمی‌گردد. زمانی که مالکان سالن‌های تئاتر و موسیقی با سوء استفاده از موقعیت مالی و اجتماعی خود، حقوق هنرمندان و صاحبان آثار را نادیده گرفته و آثار متعلق به آنان را بدون اجازه آن‌ها و بدون پرداخت هیچ اجرتی به اجرا درآورده و سود سرشاری نصیب خود می‌کردند.

ایده مدیریت جمعی حقوق را به پیراگوستین بومارشه^۱ نسبت می‌دهند. او یک نمایشنامه‌نویس مبتکر فرانسوی بود که از نقض حقوق آثارش توسط مالکان تئاتر رنج می‌برد، لذا در سال ۱۷۷۷، «نظام‌نامه عمومی نمایش» را در پاریس تدوین کرد. هدف

وی اقدام حقوقی علیه مالکان تئاترها بود که آثار نویسندگان را بدون اجازه آنها اجرا کرده و سود کلانی به دست می‌آوردند بدون این‌که به نویسنده اثر حقوقی بپردازند یا حداقل حقوق معنوی وی را رعایت کنند. ملاقات ۲۲ نفر از نویسندگان معروف درباره موضوعات مالی این نظام‌نامه، موجب بحث روی مدیریت جمعی حقوق و پایه‌ریزی سازمان‌های مدیریت جمعی به معنای امروزی گردید. (گانر، ۲۰۰۲ م.)

دو آهنگساز به اسم پاول هنریون^۲ و ویکتور پریزوت^۳ و یک شاعر به اسم ارنست بورگت^۴ هم با مشکل بومارشه در اجرای آثار خود مواجه شدند. آثار آنها در کافه‌ای اجرا می‌شد و در ازای آن از مشتریان پول بیشتری دریافت می‌شد که بین اجراکنندگان و صاحب کافه تقسیم می‌گردید بدون آنکه حتی نامی از آهنگسازان و شاعر برده شود. مالک کافه در مقابل اعتراض بورگت معتقد بود که اجرای آثار وی برای همگان آزاد است. بورگت در سال ۱۷۹۰ همزمان با انقلاب فرانسه به اقامه دعوا پرداخت و ادعا کرد پدیدآورندگان آثار باید حق کنترل اجرای آثار خود را داشته باشند. وی نتوانست در این دعوا حکمی به نفع خود به دست آورد. پس از تغییر فضای اجتماعی سیاسی فرانسه و همزمان با انتخاب آلفون دولامارتین^۵ و ویکتور هوگو^۶، دو نفر از برجسته‌ترین شعرا و بزرگان ادبیات فرانسه و جهان به عنوان نمایندگان مجلس ملی جدید، که هر دو عمیقاً به آزادی، حقوق مدنی و تشویق خلاقیت و انگیزه هنرمندان معتقد بودند، بورگت مجدداً اقامه دعوا کرد و سرانجام در سال ۱۸۹۴ برنده شد. از آن به بعد این سه نفر با هم متحد شدند تا بتوانند بهتر بر اجرای آثار خود نظارت کنند. این پرونده موجب شد حقوق مؤلفان برای همیشه تغییر کند. (استاپس، ۲۰۰۸ م؛ گانر، ۲۰۰۲ م.)

بروز مشکلاتی از این دست برای هنرمندان فرانسوی، موجب شد در سال ۱۸۵۰ یک گروه موسیقی ۱۳ نفره از آهنگسازان و خوانندگان نخستین سازمان مدیریت جمعی به نام «ساسم»^۷ را تأسیس کنند. ساسم نخستین سازمان مؤلفان، مصنفان و ناشران موسیقی بود که با هدف «دفاع از حقوق عمومی همه آهنگسازان و ترانه‌سرایان، با یا بدون

فعالیت مشترک با ناشرانشان و در رابطه با مالکان مکان‌های عمومی که آثار ادبی و موسیقایی آن‌ها را اجرا می‌کنند» تشکیل شد. (گانر، ۲۰۰۲ م.)

به طور کلی پیشرفت سازمان‌های مدیریت جمعی طی چهار مرحله صورت گرفت: (استرلینگ، ۱۹۹۸ م.)

مرحله نخست از دهه ۱۷۰۰ از اتحاد هنرمندان و نویسندگان و آهنگسازان در فرانسه آغاز گردید، چراکه دیگر برای آن‌ها غیر ممکن و غیر عملی بود که بر اجرای آثارشان کنترل کنند. نخستین سازمان مدیریت جمعی تحت عنوان «سازد»^۸ به منظور حمایت از حقوق مؤلفان تأسیس شد و پس از آن طی قرن ۱۹ و ۲۰ بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته صنعتی دارای سازمان‌های مدیریت جمعی در رابطه با حقوق مؤلفان بودند که از جمله آن‌ها «سیاژه»^۹ در ایتالیا، «جما»^{۱۰} در آلمان^{۱۱} و «پی آر اس»^{۱۲} در انگلستان بود.

شیرما
پورمحمدی

مرحله دوم ارتباط بین سازمان‌های مدیریت جمعی کشورها و ایجاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه بین آن‌ها بود. در سال ۱۹۲۶ نمایندگانی از ۱۸ سازمان مدیریت جمعی با یکدیگر جمع شده و یک چتر سازمانی تحت نام «سیزاک»^{۱۳} یعنی کنفدراسیون بین‌المللی انجمن‌های مؤلفان و آهنگسازان تشکیل دادند که در حال حاضر نقش بزرگی در مدیریت بین‌المللی و جمعی حقوق ناشران و مؤلفان بازی می‌کند. (استاپس، ۲۰۰۸ م.)

مرحله سوم پیشرفت سازمان‌های مدیریت جمعی برای اداره حقوق اشخاصی غیر از مؤلفان بود. تا آن زمان فعالیت سازمان‌های مدیریت جمعی بیشتر در رابطه با حقوق مؤلفان بود، ولی از این زمان یعنی دهه ۱۹۳۰ یکسری سازمان‌های مدیریت جمعی برای حمایت از حقوق تولیدکنندگان آثار صوتی و اجراکنندگان به وجود آمد که به آن‌ها انجمن‌های وصول‌کننده نیز گفته می‌شود. این انجمن‌ها به حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار سینمایی، صوتی و تصویری مستقل از مؤلفان می‌پردازند.

مرحله چهارم با پیشرفت و توسعه وسایل و ابزارهای فنی جدید و استفاده‌های جدید از آثار به دلیل توسعه وسایل تکنولوژیکی آغاز شد. در این مرحله بیشتر کشورها قوانینی

را به تصویب رساندند که بر این وسایل و ابزار مالیات تعلق گیرد و این مالیات‌ها به صاحبان آثار و اجراکنندگان تعلق گیرد. «ایفرو^{۱۴}» یعنی سازمان بین‌المللی حق تکثیر سازمانی است که این مالیات‌ها را بین اعضای خود تقسیم می‌کند.

ب - تعریف سازمان مدیریت جمعی

همان‌گونه اشاره شد عملاً موارد زیادی وجود دارد که مدیریت شخصی حقوق غیر ممکن است. برای حل مشکلات و چالش‌های فراروی صاحبان آثار و مصرف‌کنندگان لازم است این سازمان‌ها مانند یک واسطه وارد عمل شوند. مدیریت جمعی، نظامی است که بر اساس آن مالکان حقوق به یک سازمان مدیریت جمعی اجازه می‌دهند حقوقشان را اداره نمایند، یعنی بر استفاده از آثارشان نظارت کنند، با استفاده‌کنندگان احتمالی مذاکره کنند، به آن‌ها تحت شرایط مناسب مجوز دهند و پول دریافت کنند و در نهایت مبالغ وصول‌شده را در میان اعضا تقسیم کنند.

سازمان جهانی مالکیت فکری در تعریف مدیریت جمعی آورده است: (وایپو، ۲۰۱۵م). مدیریت جمعی عبارت از اجرای حق مؤلف و حقوق مرتبط توسط سازمان‌هایی است که به نفع و از طرف مالکان حقوق عمل می‌کنند، اما اگر بخواهیم تعریف کامل‌تری از سازمان مدیریت جمعی ارائه دهیم باید گفت سازمانی است که دارای تشکیلات خاص برای وصول و توزیع حق‌الامتیازهایی است که مصرف‌کنندگان در قبال استفاده از آثار اعضایش می‌پردازند. هدف سازمان ارتقای منافع مادی و معنوی اعضایش می‌باشد و حداقل یکی از موارد اعطای مجوز، وصول و توزیع حق‌الامتیاز را به صورت جمعی انجام می‌دهد. (میرزایی و همکاران، ۱۳۸۶ ش).

مدیریت جمعی حقوق یک ابزار ضروری برای اجرای مؤثر حقوق است. معمولاً صاحبان حق مؤلف یا حقوق مرتبط از موقعیت معامله، مذاکره و چانه‌زنی پایینی برخوردارند و فاقد قدرت نظارت و کنترل بر کل جامعه‌اند. وجود سازمان‌های مدیریت جمعی به عنوان نماینده‌ای قدرتمند که از جانب آن‌ها به اجرای حقوقشان پردازد، آثار آن‌ها را با قیمت مناسب مورد دادوستد قرار دهد و منافع حاصله را جمع‌آوری کند و

تقسیم نماید، در تضمین حقوق مزبور بسیار مؤثر خواهد بود. امروزه در بسیاری از کشورهای دنیا این امر به سازمان‌های مذکور محول شده که به نمایندگی از دارندگان حق به اجرای حقوق آنان می‌پردازند و به نظر می‌رسد که این بهترین راه اجرا و کنترل حقوق این افراد باشد. (وایبو، ۱۹۹۹م.)

این سازمان‌ها می‌توانند زمینه‌های مجوز برای طبقات مختلف استفاده‌کنندگان و نرخ‌های متفاوت را برای آن‌ها سازماندهی کرده و استفاده‌کنندگان را متعهد کنند که حقوق صاحبان حق را رعایت کنند.

ج - مکانیزم مدیریت سازمان‌های مدیریت جمعی

بسیاری از مؤلفان و اجراکنندگان مایلند آثار آن‌ها تا حد ممکن در سطح وسیعی استفاده شود تا حداکثر درآمد را برای آن‌ها داشته باشد و آثارشان نیز مشهور شود. به علاوه استفاده‌کنندگان از آثار نیز در بسیاری موارد مایلند به یک مجموعه وسیعی از آثار ملی و حتی بین‌المللی دسترسی سریع و راحتی داشته باشند. سازمان مدیریت جمعی نقش مهمی در تأمین این نیازها دارد.

در یک سازمان مدیریت جمعی سه گروه با هم در ارتباط هستند: صاحبان حق مؤلف و حقوق مرتبط، سازمان مدیریت جمعی و استفاده‌کنندگان از آثار.

نویسندگان، آهنگسازان، خوانندگان، موسیقیدانان، اجراکنندگان، ناشران، عکاسان و به طور کلی صاحبان حق مؤلف یا حقوق مرتبط اعضای سازمان‌های مدیریت جمعی هستند و عضویت در این سازمان‌ها بسته به نوع فعالیتشان، برای صاحبان این حقوق به جز سازمان‌های پخش رادیوتلوویزیونی آزاد است. سازمان‌های پخش رادیوتلوویزیونی اگرچه از ذینفعان حقوق مرتبط هستند و در رابطه با آثار خود از حقوقی برخوردارند، اما در اصل جزء استفاده‌کنندگان آثار قرار می‌گیرند. (وایبو، ۲۰۱۵م.)

برای پیوستن به یک سازمان مدیریت جمعی باید یکسری اسناد و مدارک شخصی به همراه اثر یا آثاری که خلق شده است توسط متقاضی عضویت، در اختیار سازمان قرار گیرد. این اطلاعات بخشی از «مستندسازی»^{۱۵} را در سازمان تشکیل می‌دهند.

وقتی یک صاحب حق به سازمان‌های مدیریت جمعی می‌پیوندد، تمام یا بخشی از حقوق خود را برای اداره‌شدن به سازمان منتقل می‌کند یا حکم و مجوزی را برای اداره این حقوق به سازمان می‌دهد و به این ترتیب سازمان در موقعیتی قرار می‌گیرد که می‌تواند به افرادی که مایل به استفاده از آثار مذکور می‌باشند، مجوز بدهد.

در رابطه با اعضا با سازمان، مالکیت حقوق به سازمان منتقل نمی‌شود. رابطه مالکانه بین صاحب اثر و اثر او حفظ می‌شود و تنها مدیریت حقوق به سازمان واگذار می‌گردد. برخی ماهیت حقوقی واگذاری اداره حقوق را یک نوع وکالت تلقی می‌کردند و موضوع وکالت را اداره حقوق می‌دانستند، اما بیشتر نوعی واگذاری امانی است، یعنی اداره حقوق به صورت امانی به سازمان واگذار می‌شود و به همین دلیل حقوق واگذارشده، جزء دارایی‌های سازمان شناخته نمی‌شود، بلکه سازمان تنها این حقوق را نزد خود حفظ می‌کند تا به اعضای خود برگرداند. (پلاد فردریک، ۲۰۰۵ م.)

مصرف‌کنندگان برای استفاده از آثار تحت مدیریت و حمایت این سازمان‌ها، به طور مستقیم با خود سازمان در ارتباط هستند و برای دریافت مجوز استفاده باید با سازمان مذاکره کنند. مجوزهای اعطاشده از سوی سازمان‌ها ممکن است به شکل جامع^{۱۶} و فراگیر باشد که در این صورت استفاده‌کننده می‌تواند بدون نیاز به مذاکرات بعدی، از کلیه اقلام موجود در فهرست مجموعه آثار سازمان برای مدتی مشخص استفاده کند. اعطای مجوزهای جامع یکی از مهم‌ترین مزایای سیستم‌های مدیریت جمعی کاملاً توسعه یافته است و به مصرف‌کننده امکان استفاده از تمام فهرست آثار جهانی را می‌دهد. صدور چنین مجوزهایی در مواردی امکان‌پذیر است که سیستم موافقت‌نامه‌های چندجانبه کاملاً پیشرفته و توسعه‌یافته باشد. عملاً هرگز یک فهرست کامل آثار جهانی وجود ندارد، چراکه در برخی کشورهای جهان، اصلاً سازمان‌های جمعی مناسبی برای انعقاد موافقت‌نامه‌های چندجانبه وجود ندارد و یا برخی مؤلفان آثار خود را برای مدیریت به یک سیستم جمعی نسپرده‌اند. (جروایز، ۲۰۰۶ م.) معمولاً این نوع مجوز در زمینه آثار موسیقایی مورد استفاده قرار می‌گیرد، چون هزینه‌های نظارت موردی بر اثر بالا بوده و

صدور مجوز برای هر اثر به تنهایی دشوار و غیر ممکن است، لذا مجوز فراگیر داده می‌شود تا امکان مدیریت و نظارت بهتر باشد.

برخی مجوزها نیز محدود یا «تبادلی»^{۱۷} بوده و فقط برای استفاده‌های مشخصی صادر می‌شوند. در این نوع مجوزها مصرف‌کننده تنها اجازه استفاده از بعضی از آثار سازمان را دارد یا می‌تواند از تمام آثار سازمان برای یک استفاده خاص بهره ببرد. (جروایز، ۱۱۹۸ م.)

سازمان پس از وصول حق‌الزحمه‌ها، هزینه‌های اداری را از آن کسر نموده و مابقی را بین اعضا تقسیم می‌کند. در قوانین برخی کشورها نحوه تقسیم این حق‌الزحمه‌ها نیز مشخص شده است.

به علاوه سازمان جهت جلوگیری از نقض حقوق صاحب اثر، دلایل را علیه ناقضین جمع‌آوری کرده و با مستندات محکمه‌پسند در حوزه‌های قضایی مختلف به اقامه دعوا علیه ناقضین می‌پردازد. البته این در مواردی امکان دارد که صاحب اثر، این حق را به سازمان داده باشد.

این سازمان‌ها از کارکردهای فرهنگی و اجتماعی نیز برخوردارند، چراکه معمولاً طبق قوانین باید درصدی از درآمدهای خود را به مقاصد علمی، آموزشی و فرهنگی اختصاص دهند که معمولاً ۱۰٪ درآمد ناخالص آن‌ها را تشکیل می‌دهد.

این سازمان‌ها جهت برخورداری آثار از حمایت بین‌المللی به انعقاد قراردادهای دوجانبه با دیگر سازمان‌ها می‌پردازند، چراکه کاربرد قوانین ملی که حقوقی را برای ذینفعان آثار ادبی هنری و حقوق مرتبط تأسیس یا شناسایی می‌کنند به داخل مرزهای آن کشورها محدود می‌شود. بر اساس «اصل رفتار ملی» که در کنوانسیون برن، کنوانسیون رم، کنوانسیون حق مؤلف یونسکو و معاهده تریپس نیز مورد توجه قرار گرفته است، با مالکان خارجی آثار همچون اتباع خود کشور رفتار شده و آن‌ها نیز از همان حمایت‌های قانونی برخوردار می‌شوند، لذا لازم است بین سازمان‌های مدیریت جمعی یکسری همکاری‌های بین‌المللی وجود داشته باشد تا حقوق اتباع کشورهای عضو نه تنها در

کشورشان، بلکه در کشورهای عضو معاهدات و کنوانسیون‌ها اجرا گردد. امروزه شبکه‌های جهانی سازمان‌های مدیریت جمعی تأسیس شده است که نمایندگی سازمان‌های غیر دولتی بسیار قدرتمندی را بر عهده دارند که نمونه‌های آن، سیزاک - کنفدراسیون بین‌المللی انجمن‌های پدیدآورندگان و آهنگسازان - است که در حوزه اجرای حقوق آهنگسازان و مؤلفان در سطح بین‌المللی به وجود آمد و به دنبال آن سازمان‌های حق اجرا نیز به این کنفدراسیون پیوستند. ایفررو^{۱۸} و در سطح اروپا، آپو^{۱۹} - انجمن اروپایی سازمان‌های اجراکنندگان - از دیگر نمونه‌های روابط سازمان‌های مدیریت جمعی در سطح بین‌المللی و بر اساس اصل رفتار ملی هستند. (گانت، ۲۰۰۵ م.) سازمان‌های مدیریت جمعی علاوه بر این نوع همکاری‌های بین‌المللی، تحت «موافقت‌نامه‌های نمایندگی دوجانبه یا متقابل» نیز با هم همکاری کرده، هر دو سازمان طرف موافقت‌نامه تعهد می‌کنند، مجموعه آثار خارجی موجود در محدوده ملی آن‌ها مدیریت شده، اطلاعات لازم مبادله شود، ناقضان حقوق مورد تعقیب قرار گیرند و اجرت یا مبالغ دریافت‌شده به سازمان خارجی طرف موافقت‌نامه پرداخت شود. (بتلی، ۲۰۰۱ م.) مثلاً اگر آثار یک مؤلف آرژانتینی که اثر خود را در سازمان مدیریت جمعی سادیاک ثبت کرده است، از رادیوی آلمان پخش شود، سازمان مدیریت جمعی آلمانی جما حق‌الامتياز آن را به سادیاک پرداخته و آن هم به مؤلف آرژانتینی می‌پردازد. (استاپس، ۲۰۰۸ م.)

در سیزاک نیز ارتباط بین سازمان‌های مدیریت جمعی در سایر کشورها با این سازمان، از طریق موافقت‌نامه‌های چندجانبه است و موجب می‌شود همه اعضای سازمان بتوانند مجوز استفاده از مجموعه آثار موسیقی جهانی را صادر کنند. یک سازمان مدیریت جمعی که عضو سیزاک است، بعد از کسر کردن هزینه‌های اداری از حق‌التألیف‌های جمع‌آوری‌شده، درآمد حاصل را بین مصنفان و ناشران موسیقی بر اساس میزان استفاده از اثر تقسیم می‌کند. در واقع مجوزهای سازمان به صورت جمعی صادر می‌شود، اما توزیع حق‌التألیف‌ها شخصی است. (اسچینز، ۲۰۰۰ م.)

سازمان جهانی مالکیت فکری نیز به عنوان قسمتی از فعالیت‌های همکاری خود در جهت توسعه‌یافتگی بین‌المللی، از نزدیک با برخی از این سازمان‌ها همچون فیپا^{۲۰} - فدراسیون بین‌المللی بازیگران - و فیپم^{۲۱} - فدراسیون بین‌المللی موسیقیدانان - و ایپی^{۲۲} - فدراسیون بین‌المللی صنعت ضبط صدا - در ارتباط بوده و کار می‌کند. هدف از این کار کمک‌رسانی به کشورهای در حال توسعه بر اساس تقاضای آن‌ها جهت تأسیس سازمان‌های مدیریت جمعی در آن کشورها یا توسعه سازمان‌های موجود در آن‌هاست. (وایپو، ۲۰۱۵ م.) دبیرخانه بین‌المللی وایپو، دادگاه بین‌المللی وایپو را برای اجرا و مدیریت حق مؤلف و حقوق مرتبط در مواجهه با چالش‌های تکنولوژی دیجیتال تشکیل داده است. این دادگاه از سال ۱۹۹۷ در سویل اسپانیا تشکیل شده است. (وایپو، ۱۹۹۹ م.)

د - انواع سازمان‌های مدیریت جمعی

سازمان‌های مدیریت جمعی از لحاظ انواع فعالیت‌هایشان به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- سازمان‌هایی که فقط در یک زمینه خاص فعالیت می‌کنند؛
 - ۲- سازمان‌هایی که به اجرای حقوق مختلفی می‌پردازند.
- به عنوان مثال، «ساسم» یعنی جامعه مؤلفان، آهنگسازان و ناشران موسیقی فرانسه، فقط در زمینه حق اجرای عمومی آثار موسیقایی فعالیت می‌کند، اما «سیائه» یعنی جامعه ایتالیایی مؤلفان و ناشران، سازمانی است که در زمینه اجرای حقوق آثار ادبی هنری، اجرای حقوق آثار موسیقایی و همچنین آثار صوتی تصویری، فعالیت می‌کند. صاحبان حقوق برای این که آثارشان در سطح گسترده‌ای مورد استفاده قرار گیرد و حداکثر درآمد را برای آن‌ها داشته باشد، با سازمان‌های جمعی قراردادهایی منعقد می‌کنند و در واقع اجرای کلیه یا بخشی از حقوق خود را به سازمان واگذار می‌کنند. گاهی صاحبان حق در چنین موافقت‌نامه‌هایی درجه‌هایی از انحصار در استفاده‌های خاص را برای خود حفظ می‌کنند، مثلاً یک سازمان جمعی در تبلیغات خود موظف است از

صاحب حق اجازه خاص بگیرد. یک صاحب حق که عقاید و نظرات سیاسی یا اخلاقی خاصی روی برخی موضوعات دارد، می‌تواند از سازمان بخواهد که اثر او را در ارتباط با یک مسأله سیاسی که مورد توافق او نیست، استفاده نکنند یا مثلاً مؤلفی که گیاهخوار است می‌تواند استفاده از اثر خود را در رابطه با تبلیغات ماهی و مرغ یا رستوران‌های عرضه غذاهای گوشتی ممنوع کند. (استاپس، ۲۰۰۸ م.)

بر اساس نوع رابطه مالک حقوق با سازمان و میزان کنترل وی بر حقوقش، که به آن «درجه جمع‌گرایی»^{۲۳} گفته می‌شود چندین طرح برای سازمان‌های مذکور پیش‌بینی شده است. منظور از درجه جمع‌گرایی، سطح کنترل حقوق حفظ‌شده توسط مالک حق در مقابل سطح کنترل اجراشده توسط سازمان می‌باشد. (دیستابانجونگ، ۲۰۰۴ م.) بر این اساس چندین طرح برای سازمان‌های مدیریت جمعی عبارتند از: ۱- سازمان مدیریت جمعی سنتی؛ ۲- مرکز تسویه حقوق^{۲۴}؛ ۳- مکان واحد ارائه خدمات.^{۲۵}

در یک سازمان «مدیریت جمعی سنتی»، نظام مدیریت جمعی به طور کامل حاکم است. در این سیستم صاحبان حقوق به سازمان اجازه می‌دهند بر استفاده از آثارشان نظارت کند، با استفاده‌کنندگان در خصوص نرخ حق‌الامتیازها مذاکره کند و تحت شرایط خاصی به آن‌ها مجوز اعطا کند، اجرت‌ها و حق‌الزحمه‌ها را جمع‌آوری کند و آن‌ها را بین صاحبان حق توزیع کند. در یک چنین سیستمی بسیاری از عناصر مدیریت حقوق استاندارد شده است: تعرفه‌های مشابه، شرایط اعطای مجوز مشابه و قوانین توزیع حق‌الزحمه مشابهی برای همه آثاری که در یک طبقه قرار دارند، حاکم است. (میرزایی و همکاران، ۱۳۸۶ ش.) در واقع مالک به طور کلی کنترل مجوز برای حقوق آثار خود را به سازمان می‌دهد و به جای مالک، سازمان است که مجوزهایی جامع و کلی به دیگران اعطا می‌کند. در هیچ یک از مراحل، استفاده‌کننده طرف مذاکره مستقیم با پدیدآورنده قرار نمی‌گیرد، به همین دلیل به چنین سازمان‌هایی سازمان‌های مدیریت جمعی کامل یا سنتی گفته می‌شود. این طرح برای آثار نمایشی و دراماتیک، ادبی، موسیقایی و اجرای عمومی حقوق مرتبط مناسب است.

در مراکز تسویه حقوق، سازمان به گونه‌ای طراحی شده است که مالک حقوق، بالاترین سطح کنترل بر آثار خویش را حفظ می‌کند. در این مراکز صاحب اثر شرایط بهره‌برداری از اثر، میزان اجرت و چگونگی پرداخت آن را تعیین می‌کنند و در واقع استفاده‌کنندگان و صاحبان حق با هم مستقیماً طرف مذاکره هستند و سازمان دخالتی در این حوزه‌ها ندارد و تنها بر اساس شرایط تعیین‌شده توسط اعضا، مجوز بهره‌برداری از آثار را می‌دهد. این طرح برای حقوق تکثیر آثار موسیقایی مناسب است.

یکی دیگر از طرح‌های سازمان‌های مدیریت جمعی که در واقع ائتلافی از چندین سازمان مدیریت جمعی می‌باشد با عنوان «مکان واحد ارائه خدمات» معروف می‌باشد که مجوز استفاده از آثار سازمان‌های عضو این مجموعه و ائتلاف را می‌دهند. این سازمان‌ها معمولاً برای حل مشکل تولید آثار چندرسانه‌ای به وجود می‌آیند، زیرا تولیدکننده اثر چندرسانه‌ای برای تولید اثر باید از سازمان‌های مختلفی مجوز کسب کند و آثار آن سازمان‌ها را در تولید اثر به کار برد که این بسیار مشکل است. این ائتلاف‌ها این مشکل را حل می‌کنند و دیگر لازم نیست تولیدکننده از چند سازمان، مجوز استفاده از آثار اعضایشان را اخذ نماید.

هـ- انواع حقوق تحت مدیریت سازمان‌های جمعی

همانطور که اشاره شد انواع مختلفی از سازمان‌های مدیریت جمعی وجود دارد که به طور جمعی به مدیریت انواع حقوق می‌پردازند. از جمله این حقوق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- حق اجرای عمومی آثار موسیقایی (اجرای موسیقی در رستوران‌ها، تالارها و سایر مکان‌های عمومی).

- حق پخش رادیوتلوویزیونی (اجراهای زنده یا ضبط‌شده در رادیو و تلویزیون).

- حق تکثیر مکانیکی آثار موسیقایی^{۲۶} (تکثیر آثار روی سی‌دی، نوار کاست،

مینی‌دیسک یا سایر قالب‌ها).

- حقوق اجرا در آثار نمایشی (تئاتر).

- حق تکثیر رپروگرافی آثار ادبی و موسیقایی (فتوکپی یا تکثیر با وسایلی از این قبیل به مقدار بسیار زیاد).
- حقوق مرتبط (حقوق اجراکنندگان و تولیدکنندگان آثار صوتی برای به دست آوردن اجرت در مقابل پخش رادیوتلوویزیونی یا ارتباط با عموم آثار صوتی تصویری آنان).
- حق پخش مجدد آثار سمعی بصری.
- حق دریافت اجرت برای تکثیر خصوصی.
- حق اجاره عمومی و امانت آثار صوتی تصویری.
- حق فروش مجدد آثار هنری (در فرانسه به حق تعقیب معروف است). (وادقانی، ۱۳۸۵ ش.)

به طور کلی می‌توان گفت مهم‌ترین کارکردهای سازمان‌های مدیریت جمعی عبارتند از: اعطای مجوز بهره‌برداری از آثار، نظارت بر استفاده از آثار، وصول حق‌التألیف‌ها و حق امتیازها و توزیع آن، پیگیری نقض حقوق و اقامه دعوا علیه ناقضان و انجام فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی می‌باشد. البته نحوه عملکرد این سازمان‌ها در رابطه با آثار مختلف، متفاوت است. (وایپو، ۲۰۱۵م.)

آثار موسیقایی: منظور از این نوع آثار، انواع آثار موسیقی مدرن، کلاسیک، جاز، سمفونی، پاپ و... خواه به صورت دستگاهی^{۲۷} یا مصوت^{۲۸} می‌باشد. سازمان‌های مدیریت جمعی در رابطه با حقوق اجرای عمومی و پخش رادیوتلوویزیونی این آثار بر سه ستون استوارند: مستندسازی، دادن مجوز و توزیع اثر.

سازمان مدیریت جمعی با استفاده‌کنندگانی مانند ایستگاه‌های رادیوتلوویزیونی، پخش‌کنندگان رادیوتلوویزیونی، سینماها، رستوران‌ها و مانند آن‌ها مذاکره می‌کند و به آن‌ها مجوز استفاده از آثار دارای حق مؤلف را تحت مدیریت خود، با پرداخت اجرت مناسب و تحت شرایط خاص می‌دهد. سازمان مدیریت جمعی بر اساس مستندسازی صورت گرفته (اطلاعات اعضا و آثارشان) و برنامه‌های پیشنهادی توسط استفاده‌کنندگان (به طور مثال، موسیقی اجراشده در رادیو)، حق‌التألیف^{۲۹} را بین اعضای خود مطابق با

قواعد مربوط به توزیع تقسیم می‌کند. مبلغی جهت هزینه‌های اداری و اجرایی این کار و حتی در برخی کشورها جهت توسعه فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی از اجرت کسر می‌گردد. اجرت پرداخت شده به مالک حق مؤلف مطابق با استفاده از اثر و همراه با استهلاک استفاده از آن می‌باشد. این فعالیت‌ها و اقدامات با کمک سیستم‌های رایانه‌ای که برای این کار طراحی شده‌اند، صورت می‌گیرد.

آثار نمایشی: این آثار شامل نمایشنامه‌ها، فیلمنامه‌ها، نمایش کمدی، باله، تئاتر، اپرا و موسیقی می‌شوند. عملکرد سازمان‌های مدیریت جمعی در مورد این آثار کمی متفاوت بوده و بیشتر به عنوان نماینده مؤلف عمل می‌کنند. این سازمان با سازمان نماینده تئاتریک قرارداد کلی می‌بندد، به طوری که حداقل شرایط برای بهره‌برداری از آثار خاص را تعیین می‌کند، اما اجرای هر نمایش مستلزم مجوز از مؤلف است که یک قرارداد شخصی بر اساس شروط خاص مؤلف منعقد می‌شود، سپس سازمان مدیریت جمعی صدور اجازه از طرف مؤلف را اعلام می‌کند و عوض مربوط به آن را جمع‌آوری می‌کند.

آثار چاپی: آثار چاپی به آثاری همچون کتاب، مجله، روزنامه، گزارش و... گفته می‌شود. مدیریت جمعی در مورد این آثار، اساساً شامل اعطای حق تکثیر ریپروگرافی می‌شود. به عبارت دیگر یعنی دادن اجازه کپی و تکثیر مواد حمایت شده به مؤسساتی همچون دانشگاه‌ها، سازمان‌های عمومی، کتابخانه‌ها، مدارس و شرکت‌های مصرف‌کننده. در برخی اسناد بین‌المللی ترتیباتی برای اعطای مجوزهای اجباری وجود دارد که می‌توان آن ترتیبات را در قوانین ملی هم گنجاند. در این موارد یک اجرت منصفانه‌ای برای صاحب حق در نظر گرفته می‌شود که سازمان مدیریت جمعی می‌تواند بر پرداخت اجرت مزبور مدیریت کند. در موارد خاصی که تکثیر برای استفاده شخصی و خصوصی می‌باشد برخی قوانین ملی تمهیداتی برای پرداخت اجرت به صاحب حق در نظر گرفته‌اند که بیشتر از طریق وضع مالیات روی تجهیزات کپی و تکثیر فراهم می‌شود.

حقوق مرتبط: در قوانین ملی برخی کشورها حق اجرتی برای اجراکنندگان یا تولیدکنندگان آثار صوتی یا هر دو در حالتی که ضبط صدا به صورت تجاری، در دسترس جامعه قرار گیرد یا برای پخش رادیوتلوویزیونی مورد استفاده قرار گیرد، در نظر گرفته شده است. حق الزحمه‌های چنین استفاده‌هایی توسط سازمان‌های مدیریت جمعی جمع‌آوری و بین اجراکنندگان و تولیدکنندگان آثار صوتی یا هر کدام به طور مجزا بسته به ارتباط آن‌ها و موقعیت قانونی آن‌ها در کشور، توزیع می‌شود.

و - نظارت بر سازمان‌های مدیریت جمعی

سازمان‌های مدیریت جمعی به دلیل ساختار و عملکردی که دارند، انحصاراتی برای خود به وجود می‌آورند و امکان دارد از وضعیت انحصاری و غالب خود در بازار سوء استفاده کنند، لذا لازم است مکانیسم‌هایی برای کنترل و نظارت بر کار آن‌ها وجود داشته باشد و از سوء استفاده آن‌ها جلوگیری شود. مکانیسم‌هایی که در حال حاضر در دنیا و بالاخص اتحادیه اروپا وجود دارد بر اساس یک سیستم حل اختلاف شکل گرفته است که می‌تواند در اختلافات ناشی از ارتباط بین حقوق مالکین، استفاده‌کنندگان و سازمان‌های مدیریت جمعی مؤثر و گره‌گشا باشد. این مدل‌ها طبق تجربیات اتحادیه اروپا عبارتند از:^{۳۰}

۱- نظارت محدود و خصوصی به وسیله نهادهای تخصصی^{۳۱}

در این مدل نظارت دولتی کمی وجود دارد و محکمه‌های خاص یا هیأت‌های داوری خاص، نظام تعرفه‌ها و مجوزهای سازمان مدیریت جمعی را کنترل می‌کنند. اساس کار این سیستم، حل اختلاف بدون توسل به دادگاه‌های عمومی است.

در این سیستم کنترل خارجی لزوماً محدود به تعرفه‌ها می‌شود و هیچ مقام خاصی برای نظارت دائم روی سازمان مدیریت جمعی در نظر گرفته نشده است. انجمن با مسؤولیت محدود حق اجرا^{۳۲} در انگلستان، نمونه‌ای از سازمان‌های جمعی با نظارت محدود است که به عنوان یک واحد خصوصی تأسیس شده است و ساختار و مالکیت آن تحت هیچ نوع کنترل دولتی نیست. در قانون حق مؤلف، طرح‌ها و حق اختراع انگلستان

هیچ مقرره‌ای در رابطه با شرایط شکل‌گیری سازمان‌های مدیریت جمعی یا مقرراتی در رابطه با فعالیت‌های آن‌ها دیده نمی‌شود و نظارت دائم بر آن‌ها پیش‌بینی نشده است و تنها یک کنترل ویژه در موارد شکایت در نظر گرفته شده است. (جروایز، ۲۰۰۶ م.)

۲- نظارت کلی (جامع) به وسیله نهادهای داوری^{۳۳}

در این مدل، دولت وظایف مالکان حقوق، سازمان‌های مدیریت جمعی و استفاده‌کنندگان را نسبت به یکدیگر کنترل می‌کند و نهادهای داوری به همه جنبه‌های اختلاف رسیدگی می‌کنند. در واقع داوری، بخشی از نظارت کلی و جامع است.

به این نوع نظارت، «نظارت محض^{۳۴}» نیز گفته می‌شود. مثلاً طبق سیستم حقوقی نظارتی آلمان کلیه سازمان‌های مدیریت جمعی تحت کنترل اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری هستند و این اداره باید مطمئن شود که سازمان از قدرت خود در رابطه با صاحبان حقوق و استفاده‌کنندگان از آثار سوء استفاده نمی‌کند. به علاوه یک پروسه داوری نیز برای حل اختلافات پیش‌بینی شده است. (جروایز، ۲۰۰۶ م.) هیأت داوری مستقل از اداره ثبت اختراع است، انتصاب افراد در هیأت از سوی وزیر دادگستری است و اختلافات ناشی از قراردادها به آن‌ها ارجاع می‌گردد، ولی تصمیمات هیأت داوری قابل پژوهش در دادگاه تالی است.

۳- نظارت کلی (جامع) به وسیله داوری محدود^{۳۵}

در این مدل نیز دولت وظایف مالکان حقوق، سازمان‌های مدیریت جمعی و استفاده‌کنندگان را نسبت به یکدیگر کنترل می‌کند. اختلافات فقط در موارد خاصی از طریق داوری حل می‌شود، یعنی داوری محدود شده است و در بیشتر موارد حل اختلافات از طریق نظارت دادگاه مدنی صورت می‌گیرد.

ساسم یا جامعه مؤلفان، آهنگسازان و ناشران موسیقی در فرانسه و سایر انجمن‌های وصول و توزیع این کشور، از این نوع نظارت برخوردار است. نظارت‌های دولتی بر آن از طریق وزارت فرهنگ صورت می‌گیرد که شامل تصویب یک سازمان، رسیدگی سالانه به گزارش و توجیه صورتحساب‌ها و تقاضای اسناد مربوط به عملکرد سازمان و... می‌شود.

تمام اعمال وزارت فرهنگ در خصوص این انجمن‌ها، محدود و موازی با صلاحیت دادگاه‌های مدنی است. به علاوه یک نهاد داوری هم در رابطه با حل برخی اختلافات همچون حق انتقال مجدد کابلی در حق تکثیر (ریپروگرافی) و دیگر حقوق نظیر حق دریافت اجرت در مالیات بر نوارهای خام و حق اجرت برای تولیدکنندگان آثار صوتی تصویری و اجراکنندگان نیز وجود دارد. (میرزایی و همکاران، ۱۳۸۶ ش.)

۴- نظارت (کلی) به وسیله دادگاه‌های مدنی^{۳۶}

در این مدل، دولت کنترل‌کننده وظایف مالکان حقوق، سازمان‌های مدیریت جمعی و استفاده‌کنندگان نسبت به یکدیگر است و دادگاه‌های مدنی صلاحیت رسیدگی به همه اختلافات را دارند.

به این نوع نظارت که در بسیاری از کشورهای اروپایی رایج است، «نظارت واسطی یا میانی»^{۳۷} نیز گفته می‌شود. در این نوع نظارت، علاوه بر تحمیل یکسری شروط بر سازمان‌های جمعی جهت شفاف‌سازی اعمال آن‌ها توسط قوانین ملی، فعالیت‌های سازمان تحت نظارت یک شخص یا مقام اداری خواهد بود که اغلب این شخص وزیر مرتبط با موضوعات حق مؤلف است. (جروایز، ۲۰۰۶ م.)

در ایتالیا این نوع نظارت حاکم است. به عنوان نمونه، سیانه تحت نظارت رئیس جمهور بوده و هر نوع اختلافی در آن توسط دادگاه‌های مدنی حل و فصل می‌شود.

ز - سازمان‌های مدیریت جمعی در کشورهای در حال توسعه

مفهوم مدیریت جمعی همچون سایر مفاهیم حق مؤلف، تا حدودی دیر وارد آسیا و اقیانوسیه شد، در حالی که اروپا و آمریکا نخستین گروه‌هایی بودند که ارزش این موضوع را درک کردند. اولین سازمان‌های مدیریت جمعی در این منطقه در استرالیا، ژاپن، فیلیپین، کره جنوبی، هند و هونگ‌کونگ به وجود آمدند. برخی معتقدند در میان کشورهای آسیایی، کشور ژاپن از پیشرفته‌ترین قانون حق مؤلف برخوردار است که سیستم مدیریت جمعی نیز در این کشور با وضع قانون خاص در سال ۱۹۳۹ مورد حمایت قرار گرفته است. کشور آلمان نیز قانون مدیریت جمعی خود را با الگوگیری از

قانون ژاپن و البته ملاحظه سنت‌های اجتماعی ژاپن و تأثیرات آن در نوع قوانین آنجا، تدوین کرده است. (میتسوئی، ۲۰۰۷ م.)

پیشرفت سیستم حق مؤلف در کشورهای در حال توسعه مخصوصاً آن کشورهایی که مالک صنایع تفریحی همچون موسیقی و نمایش هستند، تأثیرات مثبت زیادی برای این کشورها خواهد داشت. حمایت از آثار ادبی هنری این کشورها موجب توسعه فرهنگ ملی آن‌ها در داخل و خارج از کشور شده و امکان صادرات را برای آن‌ها فراهم می‌کند و این تنها با ایجاد و تأسیس یک چارچوب مناسب ملی یعنی «سازمان مدیریت جمعی» ممکن نخواهد بود. سازمان مدیریت جمعی می‌تواند در کنار تضمین حمایت از محصولات و آثار ادبی هنری در بازارهای داخلی و خارجی، درآمد قابل اعتمادی نیز برای مؤلفان و صاحبان حقوق تعریف کند، به طوری که هر زمان آثار آن‌ها مورد بهره‌برداری قرار گرفت، حق التالیف مناسبی نیز به آن‌ها پرداخته شود و به این ترتیب خلاقیت و انگیزه آن‌ها افزایش یابد.

موفقیت رژیم مدیریت جمعی بستگی به چندین فاکتور دارد. این فاکتورها را می‌توان به سه طبقه کلی تقسیم کرد: سطح ملی، سطح صنعتی و سطح شخصی.

در سطح ملی، سیاست ملی در رابطه با مکانیزم سازمان‌های مدیریت جمعی شامل وضع چارچوب حقوقی و قانونی مناسب و همچنین نوع دخالت و نظارت دولتی مد نظر است. نظام مدیریت جمعی می‌تواند منافع زیادی برای یک ملت داشته باشد، لذا دولت باید به عنوان یک سیاستگذار برای آن اهدافی مشخص و شفاف داشته و برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدتی تدوین کند و سطح مناسبی از دخالت دولتی را در این زمینه برگزیند. دولت باید با بررسی‌های دقیق کارشناسی تعیین کند چه حقوقی به طور جمعی اداره شوند، این سازمان‌ها چه ساختاری داشته باشند، چه مقرراتی برای کنترل این سازمان‌ها و نوع مجوزهای صادره وضع گردد تا مدیریت جمعی به طور عادلانه‌ای صورت گیرد و ضرورتاً مکانیزم مناسبی برای حل اختلاف وضع کند. بدون وجود تعهد و اعتقاد دولت به چنین سیستمی، اجرای این سیستم در کشورها کارآمد نخواهد بود

(دیستابانجونگ، ۲۰۰۴ م.) دولت‌ها با الزام تمام سازمان‌ها دستگاه‌های دولتی به پرداخت حق‌الامتیاز صاحبان حق و رعایت حقوق مؤلف نقش مؤثری در حمایت مؤلفان و ایجاد سازمان‌های جمعی ایفا می‌کنند.

پیشنیاز مهم و اصلی تشکیل سازمان مدیریت جمعی، داشتن قوانین مناسبی در رابطه با حق مؤلف است. طبق گفته لوینسکی^{۳۸}، یک قانون حق مؤلف مدرن باید شامل پنج بخش اصلی باشد که مقررات مربوط به نظام مدیریت جمعی، جزء چهارم و یک بخش ضروری آن است. لازم است کشورها در قانون حق مؤلف خود یا در قانونی خاص، مقررات حاکم بر نظام مدیریت جمعی را دقیقاً تدوین کنند و مسائلی همچون نوع نظارت بر آن‌ها، میزان دخالت دولت و نحوه حل و فصل اختلافات را به طور شفاف و با در نظر گرفتن رشد تکنولوژی‌های نوین در آن بیان کنند. (آنکتاد، ۱۹۹۶ م.)

در سطح صنعتی، عواملی همچون عملکرد مناسب ناشران و کمپانی‌های ضبط صدا و تصویر و همچنین طرز مدیریت سازمان مدیریت جمعی اهمیت دارد.

ناشران در بسیاری کشورها نقش مهمی در یاری کردن مؤلفان، حفظ منافع آن‌ها و تعادل موقعیت مذاکره و معامله مثلاً میان مصنفان و آهنگسازان و کمپانی‌های ضبط ایفا می‌کنند، لذا در طراحی نظام مدیریت جمعی باید این فاکتور نیز مد نظر قرار گیرد.

از طرفی نحوه مدیریت سازمان‌های مذکور در موفقیت این سیستم مهم است. این سازمان‌ها متعهدند حق‌التألیف آثار را جمع‌آوری و به طور عادلانه‌ای توزیع کنند، لذا شفافیت عملکرد آن‌ها و امانت‌داری از عناصر ضروری و حیاتی تضمین اعمال آن‌ها جهت انجام صحیح وظایفشان و همچنین توسعه فرهنگ ملت‌ها که یکی از اهداف عمومی آن‌هاست، می‌باشد. شفافیت عملکرد شامل انتشار گزارش‌های سالانه، حسابرسی، مالیات و تنظیم قواعد و مقررات توزیع در این سازمان‌ها خواهد بود. (ارکولانی، ۲۰۰۲ م.)

در سطح شخصی فاکتورهایی همچون اتحاد مؤلفان و مصنفان و صاحبان حق در هر کشور و وجود آگاهی و نگرش علمی مناسب مطرح می‌شود. نخستین سازمان‌های مدیریت جمعی از اتحاد و همکاری مؤلفان و مصنفان در فرانسه به وجود آمد و همکاری آن‌ها

بود که عامل قدرت آن‌ها در شناسایی حقوقشان شد. لازم است در سایر کشورها نیز مؤلفان و سایر صاحبان حق به منظور افزایش قدرت مذاکرات جمعی با هم متحد شوند، حقوق خود را بشناسند و اهمیت همکاری و مدیریت جمعی را برای حفظ و اجرای حقوق خود درک کنند.

یکی از چالش‌های موجود در این رابطه، ضعیف‌بودن بنیه اقتصادی دارندگان حق است که عملاً تأسیس و اداره سازمان را توسط آن‌ها غیر ممکن می‌کند، چراکه سرمایه لازم را برای این کار ندارند.

علاوه بر این، باید در هر کشوری نگرش علمی مناسبی در این رابطه وجود داشته باشد. سیستمی که به صرف فشارهای بین‌المللی و تجارت خارجی و نه به خاطر احساس نیاز مردم یک کشور، به وجود آید نمی‌تواند چندان مؤثر و کارآمد باشد. در طراحی و اجرای هر نظام و سیستمی باید منفعت محلی آن کشور مد نظر قرار گیرد. مثلاً این آگاهی به وجود آید که با وجود نظام مدیریت جمعی، صنایع فرهنگی محلی از حمایت بیشتری برخوردار می‌شوند و کم‌تر صدمه می‌خورند و انگیزه مبتکران محلی نیز افزایش می‌یابد. (لاینگ، ۱۹۹۳ م.)

بدون شک موافقت‌نامه تریپس نیز در سال‌های اخیر نقش بسیار مهمی در افزایش فعالیت‌های قانونگذاری رخ داده در منطقه آسیا و اقیانوسیه در زمینه «مدیریت جمعی» داشته است. تریپس اعضا را موظف به رعایت مواد ۱ تا ۲۱ کنوانسیون برن و ضمیمه آن می‌کند که اجرای این مقررات در صورت فقدان سیستم مدیریت جمعی مؤثر و مناسب برای اجرا و مدیریت حق مؤلف و حقوق مرتبط ایجاد کنند. (وایپو، ۱۹۹۹ م.)

علیرغم الزامات موافقت‌نامه تریپس هنوز هم در برخی کشورهای آسیایی قانون حق مؤلف وجود ندارد و یا اگر وجود دارد قدیمی و منسوخ است و باید به روز شود و مدیریت جمعی حقوق که به عنوان راه حل مؤثر مدیریت خاص حقوق پذیرفته شده است، در آن گنجانده شود. در حال حاضر در بسیاری از کشورهای آسیایی تمایل به ورود و دخالت قانونگذار در زمینه مدیریت جمعی دیده می‌شود. دولت‌ها در منطقه آسیا

نقش هدایت‌کننده‌ای در تشویق به توسعه سازمان‌های جمعی ایفا می‌کنند. لازم است سیستم‌های قضایی در برخی کشورهای آسیایی اصلاح شود، در غیر این صورت مدیریت جمعی به طور جدی آسیب می‌بیند. اکنون بسیاری از قانونگذاران، مدیریت جمعی را در پیش‌نویس قوانین خود وارد کرده‌اند و به اهمیت آن پی برده‌اند. (جروایز، ۲۰۰۶ م.)

ح - نقش وایپو در تأسیس و توسعه سازمان‌های مدیریت جمعی

اهمیت مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط از سال ۱۹۷۰ مورد توجه جدی سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) و یونسکو که مدیریت معاهده جهانی حق مؤلف را برعهده دارد، قرار گرفت. وایپو و یونسکو جلسات متعددی راجع به مسائل حق مؤلف و حقوق مرتبط و بهترین روش‌های مدیریت و اجرای این حقوق برگزار کرده‌اند در خصوص این موضوع راه‌حل‌های مختلفی همچون طرح‌های قراردادی، مجوزهای اجباری، مالیات بر وسایل تکثیر و مدیریت جمعی پیشنهاد شده است که از میان آن‌ها، نظام مدیریت جمعی به عنوان بهترین جایگزین برای همه این روش‌ها معرفی شده است. (میرزایی و همکاران، ۱۳۸۶ ش.)

دبیرخانه بین‌المللی وایپو کمک به توسعه و رشد مدیریت جمعی حقوق و تأسیس سازمان‌های مدیریت جمعی در کشورهای در حال توسعه را از وظایف خود می‌داند و برای این امر برنامه‌های مختلفی دارد که با تقاضای رسمی دولت‌ها و همکاری آن‌ها با وایپو، در هر کشوری اجرا خواهد شد. بدین منظور لازم است ابتدائاً کشور متقاضی، تقاضای رسمی خود را به این سازمان تقدیم کند. وایپو با بررسی شرایط و انجام تحقیقات لازم، یک برنامه کاری تهیه می‌کند و کمک‌های لازم را برای تأسیس یا توسعه سازمان مدیریت جمعی در آن کشور ارائه می‌دهد که شامل موارد زیر است: ۱- حقوقی؛ ۲- فنی؛ ۳- ساختاری و ۴- عملی. (دوراسمان، ۲۰۱۱ م.)

کمک‌های حقوقی شامل ارائه مشاوره‌های حقوقی در رابطه با قوانین حق مؤلف می‌شود. وایپو پیش‌نویس‌های قانونی یا پیشنهادهایی در زمینه اصلاح حقوق و مقررات حق مؤلف موجود در آن کشور ارائه می‌کند که متقاضی می‌تواند از این پیش‌نویس‌ها به

عنوان مدلی برای قانونگذاری استفاده کند. همچنین پیش‌نویس‌های قوانین نظارت بر سازمان‌های مدیریت جمعی را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد تا جهت تصویب قوانین لازم در داخل کشور از آن‌ها بهره بگیرند.

کمک‌های فنی وایپو شامل ارائه مشاوره‌های لازم و دوره‌های آموزشی برای مقامات دولتی و هیأت‌های نمایندگی اعزامی از سوی دولت‌هاست. در این زمینه مشاوره‌های لازم را داده و برای آن‌ها دوره‌های آموزشی لازم را در ژنو تشکیل می‌دهد. هدف اصلی از این دوره‌ها و برنامه‌ها، آگاهی بخشی در مورد تأسیس و توسعه سازمان‌های مدیریت جمعی و حرفه‌ای کردن تجارت از طریق آن‌هاست.

کمک‌های ساختاری وایپو شامل پروژه‌های اتوماسیون نرم‌افزاری و سخت‌افزاری می‌شود. از آنجا که برای تشکیل یک سازمان مدیریت جمعی، وجود ابزارهای مدرنی همچون پایگاه‌های اطلاعاتی داده و تجهیزات رایانه‌ای برای ارتباط با استفاده‌کنندگان از آثار و جمع‌آوری و توزیع درآمدهای حاصله ضروری است، دبیرخانه وایپو دسترسی به تجهیزات رایانه‌ای و نرم‌افزاری لازم را برای کشورهای متقاضی تسهیل می‌کند.

کمک‌های عملی وایپو شامل آموزش پرسنل لازم برای این سازمان‌هاست. وایپو دوره‌های آموزشی لازم را برای مدیرکل سازمان، مدیران بخش‌های مختلف سازمان، هیأت مدیره و کارمندان برگزار می‌کند. کشورهایی که در آن‌ها سازمان‌های مدیریت جمعی تأسیس شده است و قصد توسعه و پیشرفت سازمان‌های خود را دارند از آموزش‌های پیشرفته وایپو برخوردار می‌شوند.

از جمله سازمان‌های مدیریت جمعی که با وایپو همکاری نزدیک دارند می‌توان سیزاک^{۳۹}، اس.سی.ای.پی.آر^{۴۰} و ایفپی^{۴۱} نام برد. نمایندگان این سازمان‌ها در سمینارهای آموزشی که توسط وایپو ترتیب داده می‌شود شرکت فعال داشته و تجربیات خود را در اختیار سایر کشورهایی که قصد تأسیس یا توسعه سازمان‌های مدیریت جمعی دارند قرار می‌دهند. سیزاک از جمله سازمان‌هایی است که به دلیل ارتباط گسترده با سازمان‌های مدیریت جمعی سرتاسر دنیا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

عضویت در این سازمان مانند پیوستن به یک شبکه جهانی حمایت از حقوق صاحبان آثار است. سیزاک در بسیاری از کشورهای دنیا به تأسیس سازمان‌های مدیریت جمعی کمک کرده است.

نتیجه‌گیری

در جمهوری اسلامی ایران، سازمان‌های مدیریت جمعی برای اولین بار در پیش‌نویس (لایحه) قانون جامع مالکیت ادبی، هنری و حقوق مرتبط که از مدل پیشنهادی سازمان جهانی مالکیت فکری الگو گرفته، مورد توجه قرار گرفته‌اند. در ماده آخر این لایحه، به طور کلی به تشکیل تشکل‌های غیر دولتی در جهت حمایت از حقوق مذکور اشاره شده است و تهیه آیین‌نامه اجرایی لایحه مذکور به وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی واگذار شده است.

امروزه یکی از مشخصه‌های وجود نظام حقوق مالکیت ادبی هنری مدرن در دنیا وجود سازمان‌های مدیریت جمعی جهت حمایت از حقوق صاحبان حق، اجرای حقوق و جلوگیری از نقض آن‌ها می‌باشد. در حال حاضر کشورهای در حال توسعه با فشارهای بین‌المللی زیادی در جهت حمایت از حق مؤلف روبرو هستند. وجود سیستم مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط در یک کشور ثابت می‌کند که آن کشور به طور مؤثری مدافع حق مؤلف و حقوق مرتبط است. متأسفانه با آنکه از تأسیس اولین سازمان‌های مدیریت جمعی سال‌ها می‌گذرد و این نوع مدیریت حقوق مدت‌هاست که جایگاه خود را به خوبی در قوانین حق مؤلف بسیاری از کشورها باز کرده است، همچنان در کشور ما ناشناخته مانده است. اولین قانون حق مؤلف ایران یعنی «قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان»^{۴۲} در زمان خود قانون نسبتاً جامع و پیشرفته‌ای محسوب می‌شده است، اما لازم بوده طی این سال‌ها این قانون مورد بازنگری قرار گیرد یا قوانین جامع‌تری در این رابطه تدوین گردد.

با توجه به این‌که چنین سازمان‌هایی در ایران فاقد سابقه قانونگذاری و عملی می‌باشند لازم است حال که بعد از مدت‌ها چنین مسأله مهمی مورد توجه قرار گرفته است، قانونگذار به سرعت از کنار آن نگذرد و به اشاراتی کلی درباره آن بسنده نکند و برای ورود چنین سازمان‌هایی در نظام حق مؤلف کشور تدابیر دقیق‌تری در قانون جدید پیش‌بینی کند که در آن نحوه تشکیل چنین سازمان‌هایی، نحوه مدیریت در آن‌ها، سیستم

حل اختلاف و چگونگی نظارت بر اعمال آن‌ها دقیقاً بیان شود. واگذاری چنین امر مهم و نوینی به آیین‌نامه چندان صحیح و اصولی به نظر نمی‌رسد. امروزه در بسیاری از کشورهای دنیا که سازمان‌های مدیریت جمعی دارند، یک فصل یا حداقل چندین ماده از قوانین حق مؤلف به سازمان‌های مدیریت جمعی و قواعد مربوط به آن‌ها اختصاص پیدا کرده است و در برخی کشورها نیز در خصوص مدیریت جمعی، قانون خاص وجود دارد. البته این نکته باید مد نظر قرار گیرد که سازمان‌های مدیریت جمعی در هر کشور متأثر از محیط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن کشور می‌باشند. اگر یک نوع سازمان مدیریت جمعی در برخی کشورهای توسعه‌یافته با موفقیت کار می‌کند به این معنا نیست که در یک کشور در حال توسعه هم لزوماً این نوع سازمان، کاربردی و قابل تطبیق با شرایط آن کشور باشد. به همین دلیل اجرای رژیم مدیریت جمعی در کشورهای در حال توسعه هنوز نیز مورد بحث است. تجربه سایر کشورها نشان داده است که صرف قانونگذاری در این زمینه، نمی‌تواند موفقیت این نظام را تضمین کند و لازم است در کنار قانونگذاری، نظارت بر این سازمان‌ها و جلوگیری از سوء استفاده احتمالی آن‌ها از موقعیتی که دارند، فاکتورهایی همچون پیشینه فرهنگی، نگرش و طرز تلقی مؤلفان و پدیدآورندگان کشور و رویه‌های محلی در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته و مطالعات بیشتری روی عوامل موفقیت این نظام در کشور صورت گیرد.^{۴۲}

با توجه به تقاضای عضویت کشور در سازمان جهانی تجارت، لازم است شرایط داخلی خود را در رابطه با صنایع فرهنگی بهبود بخشیده و ارتقا دهیم تا قابلیت رقابت با آثار خارجی را داشته باشیم. ورود نظام مدیریت جمعی در حقوق ایران می‌تواند تا حدود زیادی وجهه بین‌المللی کشور را در رابطه با حمایت از حقوق مالکیت ادبی هنری بالا ببرد. به علاوه موجب ارتقای سطح حمایت از حق مؤلف و حقوق مرتبط و حرفه‌ای شدن تجارت در این زمینه‌ها گردد و بدینوسیله موقعیت صاحبان حقوق همچون نویسندگان، هنرمندان، آهنگسازان، خوانندگان و... را بهبود بخشد، چراکه این افراد اغلب از وضعیت معامله و چانه‌زنی پایینی در مقابل استفاده‌کنندگان آثار که معمولاً سازمان‌ها و مراکز

بزرگ دولتی و غیر دولتی برخوردارند. سازمان مدیریت جمعی به نمایندگی از اعضای خود به مذاکره می‌پردازد و مانع از استفاده‌های غیر منصفانه و نقض حقوق این افراد در داخل و خارج کشور می‌شود. با توجه به ارتباط سازمان‌های مدیریت جمعی سرتاسر دنیا از طریق موافقت‌نامه‌های دویا چندجانبه با یکدیگر، تأسیس سازمان مدیریت جمعی باعث ارتقای کیفی و کمی آثار نیز می‌شود، چراکه وقتی صاحب اثر بداند با تقدیم اثرش به یک سازمان مدیریت جمعی، اثر او در لیست آثار مورد حمایت در سایر کشورهای دنیا نیز قرار می‌گیرد تلاش می‌کند اثری با سطح کیفی و کمی بهتر و بالاتر تالیف و تولید کند تا در مواجهه با سایر آثار از اقبال لازم برخوردار شود. از طرف دیگر همانطور که اشاره شد، برای استفاده‌کنندگان هم ارتباط و مذاکره با چنین سازمان‌هایی خیلی راحت‌تر و به صرفه‌تر از پیدا کردن صاحب اصلی حقوق و معامله و چانه‌زنی بر سر واگذاری حقوق است و موجب می‌شود استفاده‌کنندگان خارجی نیز با آثار هنرمندان و مؤلفان داخل کشور ارتباط پیدا کرده و این امر موجب تشویق این افراد شده و باعث رشد صنایع فرهنگی داخل کشور می‌شود.

در لایحه جامع حمایت از مالکیت ادبی، هنری و حقوق مرتبط برای نخستین‌بار تأسیس این سازمان‌ها و تشکل‌ها به صورت غیر دولتی پیش‌بینی شده است، اما توجه در سازوکار این سازمان‌ها، نبودن و مسبوق به سابقه‌نبودن این مسأله در نظام حقوقی ایران لزوم همکاری و ارتباط با سازمان جهانی مالکیت فکری و سازمان‌های مدیریت جمعی موفق دنیا را دوچندان می‌کند. بهترین راه برای تأسیس سازمان مدیریت جمعی در کشوری نظیر ایران که هیچ سابقه و تجربه‌ای در این رابطه ندارد همکاری با سازمان جهانی مالکیت فکری و استفاده از ظرفیت‌ها، امکانات، تسهیلات و تجربیات این سازمان است.

پیشنهاد می‌شود با توجه به فعالیت‌های دبیرخانه بین‌المللی وایپو در زمینه توسعه سازمان‌های مدیریت جمعی در کشورهای در حال توسعه و ارائه خدمات حقوقی مشاوره‌ای، آموزشی، فنی و نرم‌افزاری به کشورهای متقاضی و همچنین ارتباط و همکاری این

سازمان با برخی از بزرگ‌ترین و موفق‌ترین سازمان‌های مدیریت جمعی دنیا، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تقاضای رسمی همکاری خود را در این زمینه به دبیرخانه وایپو تقدیم و برای تشکیل و راه‌اندازی سیستم مدیریت جمعی در کشور، ارتباطات مؤثری با این دبیرخانه برقرار کند. همانطور که اشاره شد وایپو با بررسی قوانین و مقررات موجود در کشور و سایر شرایط داخلی کشور، یک برنامه کاری مناسب تهیه کرده و به مقامات رسمی کشور آموزش‌های لازم را داده و تسهیلات لازم را در اختیار آن‌ها قرار داده و مشخص می‌کند برای تأسیس یک سازمان مدیریت جمعی چه امکانات و نیروهای لازم است.

علاوه بر وایپو، می‌توان از تجربیات سازمان‌های مدیریت جمعی که همکاری و ارتباط نزدیک با وایپو دارند نظیر سیزاک، نیز بهره گرفت. در این مورد هم باید تقاضای رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به سازمان مربوطه ارسال شود تا پروسه همکاری آغاز شود. سازمان نمایندگانی را برای بررسی شرایط داخلی کشور می‌فرستد و با تدوین برنامه کاری بر اساس نتایج بررسی‌ها، به تأسیس یک سازمان مدیریت جمعی در کشور کمک می‌کند. بدون شک بهره‌گیری از آموزش‌ها و خدمات حقوقی سازمان وایپو که سازمان جهانی مالکیت فکری است و با سازمان‌های مدیریت جمعی دنیا در ارتباط است، می‌تواند بسیار راه‌گشا و مفید باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. Pierre-Augustine Caron de Beaumarchais
 2. Paul Henrion
 3. Victor Parizot
 4. Ernest Bourget
 5. Alphonse de lamartin
 6. Victor Hugo
 7. SASEM: society of authors , composers and music publishers
 8. SACD: society of authors and composers dramatic
 9. SIAE: Italian society of authors and publishers
 10. GEMA: Musical Performing and Mechanical
 11. Reproduction Rights Society of Federal Republic of Germany
 12. PRS: the Performing Right Society limited
 13. CISAC: International Confederation of Societies of Authors and Composers
 14. IFRRO: International Federation of Reproduction Right Organization
 15. Documentation
 16. Licensing Blanket
 17. Transactional Licensing
۱۸. فدراسیون بین‌المللی سازمان‌های تکثیر ریپروگرافی
19. AEPO: Association of European Performers Organizations
 20. FIA: International Federation of Actors
 21. FIM: International Federation of Musicians
 22. IFPI: International Federation of the Phonographic Industry
 23. Degree of Sollectivization
 24. Right Clearance Centers
 25. One-Stop-Shop
 26. Mechanical Right
 27. Instrumental
 28. Vocal
 29. Royalty
 30. Distabanjong, Ibid.
 31. De Minimis Supervision with Arbitration Bodies
 32. PRS
 33. Global Supervision with Arbitration Bodies
 34. Strict Supervision

35. Global Supervision with Limited Arbitration
 36. Global Supervision with Civil Courts
 37. Intermediate Supervision
 38. Lewinsky
 39. SICAC
 40. SCAPR
 41. IFPI

۴۲. مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱

43. Distabanjong, Ibid

فهرست منابع

الف - فارسی:

- کلمبه، ک. (۱۳۸۵ ش.). *اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان*. ترجمه علیرضا محمدزاده وادقانی. نشر میزان، ص ۱۴۵.
- میرزایی، م-ع. شیروی، ع-ح. (۱۳۸۶ ش.). *مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط*. فصلنامه تخصصی فقه و حقوق. شماره سیزدهم، صص ۷۶-۱۵۳.

ب - لاتین:

- Bently, L. Sherman, B. (2001). *Intellectual Property Law*. UK, Oxford University Press, 803
- Distabanjong, S. (2004). *Key Success Factors for Factors for Factors for Composers Copyright Management Regime, EC-ASEAN Seminar on Contract Law for Creators*.
- Ercolani, S. (2002). *ASEAN and EU Experience in Setting up Collective Societies, EU-ASEAN Symposium on copyright and related rights, Manila*.
- Garnett, K. Davies, G. Harbottle, G. (2005). *Copinger and Skone james on copyright*. London, Sweet & Maxwell. 1556

- Gervais, D. (2006). *Collective Management of Copyright and Related rights*. London, Kluwer Law International, 127-9.
- Gervais, DJ. (1998). *Electronic Rights Management and Digital Identifier Systems*, wipo. 6-7, 47.
- Gunner, P. (2002). *The composers Right, Schenck Linda, Bokporlaget Atlantis, Stockholm*.70, 105.
- Laing, D. (1993). *Copyright and the International Music Industry*. Edinburgh University Press, Edinburgh, 22
- Mitsui, T. (2007). *Copyright and Music in Japan*. Edinburgh University Press, Edinburgh, 23
- Promotion and Development of Collective Management of Copyright and Related Rights, Wipo. (1999).
- Sterling, JAL. (1998). *World Copyright Law*. London, Sweet & Maxwell, 407.
- Stops, D. (2008). *How to Make Life from Music*. Wipo publication, 59, 61, 63.
- UNCTAD. (1996). *The TRIPs Agreement and Developing Countries*. Geneva, Wipo publication , 39
- WIPO. (2015). *Collective Management of Copyright and Related Right*.

یادداشت شناسه مؤلف

شیمای پورمحمدی: وکیل پایه یک دادگستری، کارشناس ارشد حقوق مالکیت فکری، تهران، ایران.

پست الکترونیک: sh.poormohamadi@yahoo.com

Copyright and related rights in collective management organizations

Shima.Pourmohamadi

Abstract

Today management and true performance of copyright and related rights has an important effect on improvement and success of cultural industries of countries.

Collective management of copyright and related rights is a system that authors and right holders of works authorize a collective management organization (society) to manage and perform their rights such as monitoring uses of works, negotiation with users, give permission of use, collecting and sharing royalties.

In this system, collective management organization work as a mediator between right holders and users, cause effective performance of rights of right holders in one hand and easy fair access of users to works in the other hand.

Keywords

Collective Management, Collective Management Organization, Copyright, Related Rights